



شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ در نهج البلاغه و نقد آن با تکیه بر فضای صدور

علی حاجی‌خانی^{۱*}، کاوس روحی‌برندق^۲ و علیرضا صفاریان‌همدانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۴

چکیده

یکی از شبهات محتوایی که بر کتاب شریف نهج البلاغه وارد شده، شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ به صورت افراطی است. به عقیده عده‌ای، برخی از مطالبی که در نهج البلاغه درباره مذمت دنیا، شیوه زندگی زاهدانه، ترک تعلق به دنیا و توجه به آخرت و همچنین مطالبی که درباره یادآوری مرگ به عنوان دروازه ورود به سرای جاوید در این کتاب آمده، سابقه‌ای در صدر اسلام نداشته و تحت تأثیر رهبانیت مسیحی و یا جریان تصوف قرار دارند. این جستار درصدد است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان صدور خطبه‌ها و نامه‌های مورد تشکیک و همچنین با توجه به جغرافیای کلام در هر مورد ضمن اثبات بی‌اساس بودن شبهه، این حقیقت را روشن نماید که نه تنها چنین نگاهی، افراط‌گرایانه نیست، بلکه القای آن از سوی امام جامعه مسلمین امری ضروری و به‌جا شمرده می‌شود؛ زیرا گرایش‌هایی به دنیاطلبی و مادی‌گرایی در میان خواص و عوام جامعه آن روزگار دیده می‌شد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، نهج البلاغه، شبهات، دنیاگریزی، مرگ، فضای صدور.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

کتاب شریف نهج البلاغه که در آن مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) به وسیله ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی، معروف به سید رضی و یا شریف رضی (م ۴۰۶ ق) گردآوری شده، به عنوان "أخ القرآن" یکی از مهم‌ترین و متقن‌ترین منابع معارف اسلامی پس از کتاب الهی است. همان‌گونه که از نام نهج البلاغه پیداست، اهتمام سید رضی در نگارش این کتاب گردآوری آن دسته از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت بوده که از دیدگاه خودش در مرتبه والاتری از فصاحت و بلاغت قرار داشته‌اند (رضی، بی‌تا: ۳۴).

تربیت‌یافتگی در مکتب وحی، سخنان گهربار آن بزرگوار را علاوه بر جنبه‌های بلاغی، سرشار از آموزه‌های اصیل اسلامی در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی و غیره نموده است. از این رو این کتاب از همان آغاز بسیار مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و در اعصار بعد نیز اهتمام جدی دانشمندان ادیان دیگر را نسبت به محتوای خود برانگیخت. جایگاه والای نهج البلاغه در دیدگاه عالمان از سخنانی که درباره این کتاب شریف بیان کرده‌اند، قابل مشاهده است. به عنوان نمونه شیخ محمد عبده مفسر سنی مذهب در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه می‌گوید: "این کتاب جلیل که برگزیده کلام سرور و مولای ما امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه) توسط سید رضی است، به نام نهج البلاغه (شیوه بلاغت) نام‌گذاری شده و من نامی مانند آن که به واقع بر معنایش دلالت نماید، نمی‌شناسم. من توان آن را ندارم که این کتاب را به بیش از آنچه نامش بر آن دلالت دارد، وصف نمایم" (عبده، بی‌تا: ۱/۱۰). از جمله موضوعاتی که در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته است، مسأله "زهد" و "یاد مرگ" می‌باشد. زهد یکی از مهم‌ترین عوامل کمال معنوی و روحانی انسان به‌شمار می‌رود. در روایات بسیاری به زهد در دنیا ترغیب و تشویق شده و آثار بزرگ و ارزشمندی برای آن بیان گشته است؛ از جمله در روایتی از پیامبر اعظم (ص) نقل شده که ایشان برترین عبادت، برترین تفکر و برترین زهد را به یاد مرگ بودن می‌شمارد و می‌فرماید: «أَفْضَلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ أَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ فَمَنْ أَتَقَلَّهْ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَجَدَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ (شعیری، بی‌تا: ۱۶۵): برترین عبادت و برترین تفکر و برترین زهد یادآوری مرگ است و هر کس از یاد مرگ گرانبار باشد، قبرش را باغی از باغ‌های بهشت خواهد یافت».

از سوی دیگر امام صادق (ع) پیرامون اهمیت زهد در دنیا می‌فرماید: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عِيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۰/۱۶): هر کس در دنیا زهد پیشه کند، خداوند قلب او را کانون حکمت قرار می‌دهد و زبانش را بدان گویا می‌سازد و او را به عیوب دنیا؛ هم درد و هم درمان آن بینا می‌گرداند و وی را با سلامت از دنیا به بهشت می‌برد».

همین توجه به موضوع زهد و یاد مرگ در نهج البلاغه، دستاویزی برای عده‌ای گردیده تا بر این کتاب خدشه نمایند. مقاله حاضر به دنبال آن است که بی‌اساس بودن شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ در نهج البلاغه را اثبات نماید.

در کنار همه تلاش‌هایی که در طول تاریخ در راه بهره‌مندی از انوار هدایت نهج البلاغه صورت گرفته، عده‌ای نیز ایرادها و شبهاتی را پیرامون این کتاب مطرح کرده‌اند.

برخی از شبهات مطرح‌شده پیرامون نهج البلاغه ناظر بر مباحث سندی و برخی دیگر ناظر بر محتوای آن است. برآیند همه این شبهات به تشکیک در صحت انتساب این کتاب به امیرالمؤمنین (ع) می‌انجامد. از جمله شبهاتی که در حوزه محتوایی بر این کتاب وارد شده، شبهه دنیاگریزی و همچنین ذکر مرگ به صورت افراطی است. به عقیده عده‌ای، برخی از مطالبی که در نهج البلاغه درباره مذمت دنیا، شیوه زندگی زاهدانه، ترک تعلق به دنیا و توجه به آخرت و همچنین مطالبی که درباره یادآوری مرگ به‌عنوان دروازه ورود به سرای جاوید در این کتاب آمده، سابقه‌ای در صدر اسلام ندارد؛ به عبارت دیگر این سخنان تحت تأثیر رهبانیت مسیحی و یا جریان‌هایی است که در قرن چهارم هجری گرایش به تصوف داشته‌اند. به عقیده این افراد منزلت و شأن امام علی (ع) و دیگر صحابه پیامبر (ص) بسیار بالاتر از آن است که چنین سخنانی را بر زبان جاری نموده و یا بنگارند (کیلانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۰-۶۱).

با توجه به اینکه دفاع از ساحت مقدس امام علی (ع) و میراث راستین علوی، وظیفه هر فرد شیعی و بلکه تکلیف هر انسان مسلمان است، این پژوهش درصدد آن است که با توجه به فضای صدور و جغرافیای کلام، اثبات نماید که اشاعه چنین تفکری در عصر خلافت امیرالمؤمنین (ع) یک ضرورت بوده و چنین سخنانی در شرایط و فضای خاص خود مطرح شده است. با در نظر گرفتن جغرافیای کلام، شائبه‌ای مبنی بر افراطی‌گری در این زمینه باقی نمی‌ماند.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ در نهج البلاغه تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. لیکن این شبهه در خلال برخی از کتاب‌هایی که درباره نهج البلاغه نگاشته شده‌اند، مطرح و پاسخ‌جمالی به آن داده شده است؛ از جمله "مصادر نهج البلاغه و آسانیده" تألیف سیدعبدالزهره الحسینی الخطیب (حسینی خطیب، ۱۳۹۵ ق) و همچنین "أصالة نهج البلاغه من منظور الدراسة السلویة الموضوعية" تألیف علی حاجی خانی (حاجی‌خانی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). نکته‌ای که در این کتاب‌ها دیده می‌شود آن است که شبهه یادشده به‌طور تفصیلی بیان نشده و پاسخ‌های مطرح‌شده نیز بسیار مختصر است. همچنین این پاسخ‌ها علاوه بر اختصار، با عنایت به اقتضات کتب مذکور، از جامعیت کافی نیز برخوردار نیستند.

۳. تبیین شبهه

یکی از شبهات مذهبی وارد شده به نهج البلاغه، شبهه "دنیاگریزی و یاد مرگ" است. بررسی‌ها بیانگر این است که اولین کسی که شبهه فوق را مطرح کرد، محمد سید کیلانی^۱ (م ۱۴۱۹ ق- ۱۹۹۸ م) است. وی در کتابی با عنوان *اثر التشیع فی الادب العربی* که در سال ۱۳۶۶ قمری (۱۹۴۷ میلادی) به نگارش درآمده، به تشکیک درباره صحت انتساب نهج البلاغه می‌پردازد. این مطلب که کیلانی بنیان‌گذار این شبهه می‌باشد، در گفته‌های عادل حسن اسدی در کتاب *مع المشککین فی نهج البلاغه* نیز تأیید می‌گردد (اسدی، ۱۴۲۸ ق: ۷۳).

کیلانی در خلال ذکر شبهاتی که بر صحت انتساب نهج البلاغه به امیرالمؤمنین (ع) وارد شده، بیان می‌کند: «چهارمین امری که سبب شک و تردید می‌گردد آن است که در بسیاری از خطبه‌ها سخنانی می‌یابی که با روح اسلام بیگانه است و با احکام و اصول دین حنیف تناقض دارد و همچنین در آن روحی حاکم است که برای جامعه و تمدن اسلامی بسیار زیان‌بار است. در آن خطبه‌ها دعوت به رهبانیت و ترک آنچه از پاکی‌ها که خداوند در زندگی دنیا حلال نموده، می‌بینی» (کیلانی، ۱۴۱۶ ق: ۶۰-۶۱).

به رغم بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته، معلوم نیست چگونه و برای اولین بار توسط چه کسی مسأله تصوف و همچنین یاد مرگ به شبهه دنیاگریزی افراطی پیوند داده شده است؛ اما آنچه مسلم است ارتباط موضوعی شبهه با مسأله تصوف و همچنین یاد مرگ باعث شده، دیگران این دو موضوع را در کتب خود به عنوان یکی از جنبه‌های شبهه مطرح نمایند (حسینی خطیب، ۱۳۹۵ ق: ۱۱۳ و اسدی، ۱۴۲۸ ق: ۱۳۱).

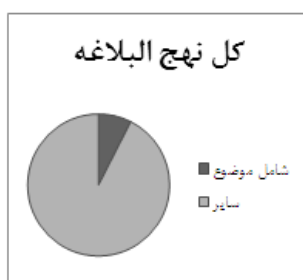
۴. میزان شمول بحث در نهج البلاغه

از آنجاکه کیلانی شبهه خود را در قالب کلی به نهج البلاغه نسبت می‌دهد در پژوهش حاضر به منظور احصای دقیقی از مطالب مرتبط با دنیاگریزی و یاد مرگ از ابتدا تا انتهای نهج البلاغه، مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب مشمول شبهه فوق استخراج گردید که گزارش آماری به‌دست‌آمده به شرح زیر ارائه می‌شود.

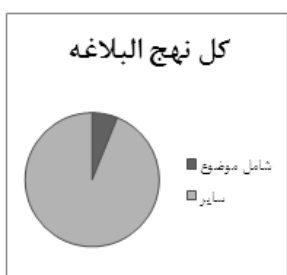
مطالب مرتبط با شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ در نهج البلاغه با احتساب تکرار، در مجموع ۱۱۶ مورد است که در ۶۱ خطبه، ۵ نامه و ۲۳ حکمت قرار می‌گیرد. موضوعات مرتبط با زهد و دنیاگریزی در حدود ۲۰٪ خطبه‌ها (خطب ۳-۲۸-۳۲-۳۳-۴۲-۴۵-۵۲-۶۳-۶۴-۸۱-۸۲-۸۳-۸۶-۸۹-۹۹-۱۰۳-۱۰۹-۱۱۱-۱۱۳-۱۱۴-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۲-۱۳۳-۱۵۷-۱۶۰-۱۶۱-۱۷۴-۱۷۸-۱۸۲-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۶-۲۰۳-۲۲۲-۲۲۴)، ۴٪ نامه‌ها (نامه‌های ۲۲-۴۵-۶۸) و ۲٪ حکمت‌ها (حکمت‌های ۷۷-۱۰۴-۱۱۵-۱۳۰-۱۶۸-۲۳۶-۴۱۶-۴۳۹) بیان شده است. همچنین موضوعات مرتبط با یاد مرگ در حدود ۱۶٪ خطبه‌ها (خطب ۱-۲۰-

۱. وی در سال ۱۳۳۱ ق در شهر اقصر که در جنوب استان صعید در کشور مصر قرار دارد، دیده به جهان گشود. او مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات عرب از دانشگاه قاهره گرفت. وی علاوه بر تدریس در برخی مدارس خاص، مسؤولیتی نیز در وزارت اوقاف مصر به عهده داشت. آثار متعددی از وی در شعر، ادبیات، نقد ادبی و غیره به‌جای مانده است. سرانجام او در سال ۱۴۱۹ ق و در سن ۸۸ سالگی در شهر قاهره چشم از جهان فرو بست (طلماوی، احمد حسین. مارس ۱۹۹۹ م، رحیل سید کیلانی صاحب ربوع الإسکندریه، *مجله الهلال*).

۲۱-۲۸-۵۲-۶۴-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۹۰-۹۱-۹۹-۱۰۳-۱۱۳-۱۱۴-۱۳۲-۱۳۳-۱۴۵-۱۴۷-۱۴۹-۱۵۷-
۱۶۱-۱۶۸-۱۸۷-۱۹۰-۱۹۶-۲۰۴-۲۲۶-۲۳۰)، ۴٪ نامه‌ها (نامه‌های ۲۷ و ۳۱) و ۲٪ حکمت‌ها
(حکمت‌های ۱۳-۲۹-۷۳-۱۲۲-۱۳۲-۲۰۳-۳۳۴-۳۸۰) ذکر شده است. اگرچه موضوع دنیاگرایی و یاد
مرگ نسبت به دیگر شبهات مطرح شده پیرامون نهج البلاغه، حجم کمتری از محتوای خطبه‌ها، نامه‌ها و
حکمت‌ها را به خود اختصاص داده است، اما دو موضوع دنیا و مرگ از محورهای مهم این کتاب بوده و
همین امر ضرورت نقد و پاسخ به شبهه مربوط به این دو واقعیت را افزون‌تر می‌نماید.



نمودار ۱: درصد شمول خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بر موضوع زهد و دنیاگریزی



نمودار ۲: درصد شمول خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بر موضوع یاد مرگ

۵. تحلیل و بررسی یافته‌های پژوهش

۵-۱ پاسخ درون دینی مبتنی بر آیات و روایات

در ابتدا لازم است در جهت اثبات بی‌اساس بودن ادعای کیلانی مبنی بر بیگانگی نگاه مذموم به دنیا با روح اسلام و عدم وجود این دیدگاه در صدر اسلام، پاسخی درون دینی مطرح شود و آمار، شواهد و نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم و روایات نبوی (ص) در منابع اهل سنت ارائه گردد تا ثابت شود که اساساً نوع نگاه نهج البلاغه نسبت به مذمت دنیا و مقوله مرگ همان نگاهی است که در قرآن و روایات مشاهده می‌شود.

آیاتی که در حوزه دنیاشناسی در قرآن کریم وجود دارد، بسیار زیاد است. واژه دنیا ۱۱۵ بار در ۱۱۱ آیه و ۴۰ سوره از قرآن کریم تکرار شده و علاوه بر آن، در بسیاری از آیات دیگر از دنیا شناسی بدون ذکر واژه دنیا سخن به میان آمده است که از این میان ۵۱ مورد در ۴۶ آیه و ۲۸ سوره ناظر بر مباحث پیرامون مذمت دنیا است (آل عمران: ۱۸۵- نساء: ۷۷- انعام: ۳۲-۷۰-۱۳۰- اعراف: ۵۱- یونس: ۲۴- رعد: ۲۶- ابراهیم: ۳- کهف: ۴۵- عنکبوت: ۶۴- فاطر: ۵- غافر: ۳۹- شوری: ۲۰- محمد: ۳۶- حدید: ۲۰ و غیره) همچنین در حوزه یاد مرگ، ۱۵ آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم با موضوع مورد بحث در ارتباط هستند (آل عمران: ۱۸۵- نساء: ۷۸- انبیاء: ۳۵- عنکبوت: ۵۸- سجده: ۱۱- احزاب: ۱۶- زمر: ۳۰- ق: ۱۹- واقعه: ۶۰- جمعه: ۸ و غیره).

از جمله آیات مذکور فوق که به مذمت دنیا می‌پردازند عبارت‌اند از: ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ (عنکبوت: ۶۴) «این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است»؛ ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران: ۱۸۵) «زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست». همچنین در سوره مبارکه حدید برخی از صفات مذموم دنیا این‌گونه برشمرده می‌شود: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا﴾ (حدید: ۲۰) «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی سپس تبدیل به کاه می‌شود».

در رابطه با تذکر مرگ و قطعی شمردن آن نیز آیات متعددی در قرآن کریم دیده می‌شود؛ از جمله: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (آل عمران: ۱۸۵) «هر کسی مرگ را می‌چشد»؛ ﴿أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ (نساء: ۷۸) «هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد هر چند در برج‌های محکم باشید»؛ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُّوكم بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (انبیاء: ۳۵) «هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم و سرانجام به سوی ما بازگردانده می‌شود».

۱. به‌دلیل آن که شبهه دنیا‌گریزی و یاد مرگ توسط اهل سنت القاء شده، در نقل روایات نبوی (ص) تنها از منابع سنی استفاده شده است.

در روایات نبوی (ص) نیز نمونه‌های فراوانی از مذمت دنیا و تحذیر نسبت به حب دنیا دیده می‌شود. در روایتی که ابن مسعود از پیامبر اعظم (ص) نقل می‌کند ایشان سه پیامد را برای حب دنیا معرفی می‌نماید. در ابتدای این روایت آمده است: «من أَسْرَبَ قَلْبَهُ حُبُّ الدُّنْيَا التَّاطُّ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: شِقَاءٌ لَا يَنْفَعُ عِنَاهُ وَ حِرْصٌ لَا يَبْلُغُ غِنَاهُ وَ أَمَلٌ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ» (طبرانی، ۱۴۱۵ ق: ۱۶۲/۱۰) کسی که حب دنیا قلبش را پر نماید، به سه چیز وابسته می‌گردد: شقاوتی که خستگی آن پایان نیابد و حرصی که سیری نپذیرد و آرزویی که به انتهایش نرسد».

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی دیگر حب دنیا را مرض و دواى آن را ترک دنیا می‌داند. در بخشی از این روایت آمده است: «وَلَا دَاءَ أَشَدُّ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا وَلَا دَوَاءَ أَكْبَرُ مِنْ تَرْكِهَا فَاتْرُكُوا الدُّنْيَا تَصَلُّوا إِلَى رُوحِ الْآخِرَةِ (متقی هندی، ۱۴۰۱ ق: ۷۲۰/۳): هیچ دردی خطرناک‌تر از حب دنیا نیست و هیچ دوايي بالاتر از ترک آن. دنیا را ترک گوئید تا به روح آخرت برسید».

در ادامه، بخشی از فضای اجتماعی عصر خلافت امیر مؤمنان (ع) که مرتبط با موضوع این تحقیق است، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. دورانی که دنیاگرایی و زراندوزی در حال تبدیل شدن به یک ارزش اجتماعی است. در شرایطی که امام علی (ع) به عنوان هادی و رهبر جامعه، وظیفه آگاه‌سازی امت را نسبت به خطرات دنیاگرایی به دوش می‌کشد. سپس به بررسی جغرافیای کلام در برخی از نمونه‌هایی که با شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ ارتباط دارند، پرداخته می‌شود تا ضرورت طرح مسائل مربوط به دنیاگریزی و یاد مرگ از سوی امیرالمؤمنین (ع) در چنان فضایی، تبیین گردد.

۵-۲. توجه به شرایط اجتماعی زمان

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر محتوای سخنان معصومان (ع)، شرایط اجتماعی عصر حیات آن بزرگواران است؛ به عبارت دیگر امامان معصوم (ع) در راستای انجام مسؤولیت هدایت‌گری خویش، هرکجا انحراف و کجروی در رفتار و کردار امت اسلامی مشاهده می‌کردند، وارد عمل شده و در آن زمینه به روشن‌گری و تبیین حقایق می‌پرداختند. در مورد مسأله زهد و دنیاگریزی در نهج‌البلاغه نیز توجه به شرایط عصر امام علی (ع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا توجه به شرایط به‌وجود آمده در آن دوران، به خوبی توهم افراط در زهد و دنیاگریزی را باطل می‌نماید.

حال پرسش این است که چه چیزی سبب آن شده که امام علی (ع) در این حد گسترده پیرامون مذمت دنیا سخن بگوید و مردم را از دنیاپرستی و غفلت از مرگ بترساند؟ پاسخ این پرسش را باید در تاریخ عصر خلفای سه‌گانه به‌خصوص عثمان جستجو نمود. در این دوران فتوحات بسیاری نصیب مسلمانان گردید و مال و ثروت فراوانی به جهان اسلام سرازیر شد؛ اما این ثروت به‌جای اینکه به‌طور عادلانه و برای مصارف عمومی جامعه تقسیم شود، در اکثر موارد در اختیار عده‌ای خاص قرار گرفت. به‌خصوص در دوران عثمان این معضل شدت یافت و افرادی که تا چندی پیش فاقد هرگونه ثروتی بودند، دارای سرمایه‌ای بی‌حساب شدند. اینجا بود که دنیاپرستی اخلاق را در جامعه اسلامی روبه انحطاط برد (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

مسعودی (م ۳۴۶ ق) در صفات عثمان می‌نویسد: «عثمان در نهایت بخشش و جوانمردی و بذل به نزدیکان و غیر آنان بود. بسیاری از کارمندان و مردم زمانه او نیز همین شیوه را برگزیده‌اند. او در مدینه خانه‌اش را از سنگ و آهک بنا نمود و درهایش را با عرعر و ساج تهیه نمود و اموال و باغ‌ها و چشمه‌هایی در مدینه اندوخت». (مسعودی، ۱۹۹۰ م: ۳۰۵) همچنین درباره ثروت وی از قول عبدالله بن زبیر می‌نویسد: «هنگامی که عثمان کشته شد نزد صندوقدارش ۱۵۰ هزار دینار و یک میلیون درهم پول بود قیمت املاکش در وادی القری و حنین و غیر آن ۱۰۰ هزار دینار بوده و تعداد فراوانی شتر و اسب برجای گذاشت» (همان‌جا). همچنین مسعودی از ثروت دیگر یاران عثمان گزارش می‌دهد. او از خانه‌های زبیر بن عوام در بصره، کوفه، مصر و اسکندریه سخن می‌گوید و بیان می‌کند که ثروت زبیر بعد از مرگش بالغ بر ۵۰ هزار دینار پول نقد و ۱۰۰۰ اسب بوده است. همچنین وی از ثروت فراوان طلحه و خانه وسیع، ۱۰۰ اسب، ۱۰۰۰ شتر و ۱۰ هزار گوسفند متعلق به عبدالرحمن بن عوف سخن به میان می‌آورد و بیان می‌کند که در این عصر، سعد بن ابی وقاص خانه‌ای از عقیق ساخت و همچنین زید بن ثابت طلاها و نقره‌های فراوانی را برجای گذاشت و املاک بسیاری را که ۱۰۰ هزار دینار می‌ارزید، پس از خود به ارث گذاشت (همان‌جا).

در چنین شرایطی که بلای دنیاگرایی و دنیاپرستی و همچنین مال‌اندوزی به جان امت اسلامی افتاده، ضروری است که مردان حق در مقابل این انحراف بزرگ قیام نموده و به آگاه‌سازی اقدام کنند. امام علی (ع) با مشاهده شرایط موجود و با نگرانی از رسوخ جریان سرمایه‌داری در بدنه جامعه، اقدام به تحذیر و سفارش فراوان نسبت به دنیاپرستی و غفلت از حقیقت زندگی پرداخت و با این شیوه به مبارزه با دنیاگرایی ترویج شده در عصر خلفا قیام نمود. به عنوان نمونه، امام (ع) در خطبه ۱۹۱ در بی‌اعتنایی به دنیا می‌فرماید: «وَكُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا وَإِلَى الآخِرَةِ وُلَاهًا وَ لَا تَصْعُوا مِنْ رَفَعَتِهِ التَّقْوَى وَ لَا تَرْفَعُوا مِنْ رَفَعَتِهِ الدُّنْيَا وَ لَا تَشِيمُوا بِأَرْقِهَا وَ لَا تَسْمَعُوا نَاطِقَهَا وَ لَا تُجِيبُوا نَاعِقَهَا وَ لَا تَسْتَضِيئُوا بِإِشْرَاقِهَا وَ لَا تُفْتَنُوا بِأَغْلَاقِهَا (رضی، بی‌تا: ۲۸۴): در برابر دنیا خویشتن‌دار و در برابر آخرت دلباخته باشید. آن کس را که تقوا بلندمرتبه ساخت خوار مشمرید و آنکه دنیا عزتش داده ارجمندش مخوانید. زرق و برق دنیا توجه شما را جلب نکند و به سخن آن کس که ترغیب به دنیا می‌کند گوش فرا مدهید و به ندایش پاسخ مگویید. از فروغ و درخشندگی ظاهریش روشنائی مجوید و مفتون اشیاء نفیس و گرانقدرش نگردید». امام علی (ع) علاوه بر سخنرانی، در عمل نیز با رفاه‌زدگی مبارزه نمود و با انتخاب شیوه زندگانی زاهدانه، علاوه بر همدردی با فقراء، الگویی کامل برای مقابله با دنیاگرایی ارائه نمود. همچنین ایشان در خطبه ۱۱۳ در مقام تحذیر و هشدار می‌فرماید: «وَأُحَذِّرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا (همان‌جا: ۱۶۷): شما را از دنیا بر حذر می‌دارم زیرا منزلی است که هر آن از آن باید آماده کوچ بود و جایگاه اقامت نیست. خویش را با مکر و غرور زینت کرده و با زیورش فریب داده است».

بنابراین توجه به شرایط اجتماعی موجود در عصر امام (ع) به خوبی ضرورت و اهمیت طرح مسائل حوزه زهد و دنیاگریزی را مشخص نموده و پذیرش این حقیقت را که چنین مطالبی در نهج‌البلاغه بدون شک کلام امام علی (ع) است، آسان می‌گرداند.

۳-۵. توجه به جغرافیای کلام

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در تحلیل و بررسی روایات مدنظر قرار گیرد، توجه به فضای صدور و جغرافیای کلام است که گاه از آن به مورد صدور حدیث (غفاری، ۱۳۸۸: ۴۰۲)، سبب صدور حدیث یا علت صدور حدیث (غروی نائینی، ۱۳۷۹: ۴۱) تعبیر می‌گردد. برخی علت صدور حدیث را این‌گونه تعریف نموده‌اند: سببی که پیامبر (ص) به خاطر آن حدیثی را بیان نموده‌اند؛ همان‌گونه که در مورد سبب نزول آیات گفته می‌شود (هروی، بی‌تا: ۸۱۴). آشنایی با فضای صدور حدیث، سبب فهم دقیق‌تر و کامل‌تر مراد معصوم (ع) می‌گردد. زمان صدور، مکان صدور و اسباب صدور حدیث از جمله قرینه‌های مهم و اثرگذار در فهم روایت است. مشابه همین سخن درباره اسباب نزول آیات مطرح می‌شود. تا جایی که به عقیده برخی عالمان، آگاهی از تفسیر آیه و مراد از نزول آن بدون آگاهی از داستان آن و سبب نزول آن غیرممکن است (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸ ق: ۴). اگرچه این سخن اغراق‌آمیز جلوه می‌کند، ولی دربردارنده بخشی از واقعیت نیز هست.

برای دفع توهم افراط‌گرایی در موضوع زهد و دنیاگریزی در نهج‌البلاغه نیز توجه به فضای صدور و جغرافیای کلام بسیار مهم و ضروری است. در این بخش با هدف تبیین جغرافیای کلام و فضای صدور مطالب نهج‌البلاغه به ذکر نمونه‌هایی از خطبه‌ها و نامه‌هایی که مرتبط با دنیاگریزی و یاد مرگ هستند، اقدام می‌گردد. به همین منظور بر اساس شأن بیان خطبه‌ها نمونه‌های زیر ارائه می‌گردد:

۳-۵-۱. اعیاد مذهبی

تعدادی از خطبه‌های نهج‌البلاغه که در آن مطالب مرتبط با شبهه دیده می‌شود، در ایام اعیاد مذهبی ایراد شده است. از جمله خطبه‌های ۲۸ و ۴۵ که در روز عید فطر و همچنین خطبه ۵۲ که در روز عید قربان ایراد شده‌اند (موسوی، ۱۴۲۳ ق: ۲۷۸).

خطبه ۲۸ یکی از معروف‌ترین خطبه‌های امیر مؤمنان علی (ع) است و به گفته سید رضی در پایان خطبه، اگر سخنی پیدا شود که انسان‌ها را با قوت و قدرت به سوی زهد در دنیا و توجه به آخرت سوق دهد، این سخن است. در این خطبه کوتاه امام (ع) به ده نکته مهم درباره توجه به آخرت و زهد در دنیا و عدم اعتماد بر مواهب مادی و زرق و برق این جهان و آمادگی هر چه بیشتر برای زندگی جاودان آخرت و هشدار نسبت به خطرات مهمی که سعادت انسان را تهدید می‌کند، اشاره می‌فرماید. تعبیرات به کاررفته در این خطبه آن‌چنان صریح و دقیق است که هر کس را که کمترین شایستگی داشته باشد از خواب غفلت بیدار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۷۵/۲) به عنوان نمونه ایشان در بخشی از خطبه می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ

الْمُضْمَارَ وَ غَدَاً السَّبَّاقَ وَ السَّبَقَةَ الْجَنَّةَ وَ الْغَايَةَ النَّارَ (رضی، بی تا: ۷۱): بدانید امروز، روز تمرین و آمادگی است و فردا روز مسابقه. جایزه برندگان بهشت و سرانجام (شوم) عقب ماندگان آتش دوزخ».

در این جمله در تشبیهی زیبا انسان‌ها به سوارکارانی همانند شده‌اند که در یک مسابقه بزرگ شرکت می‌کنند. روشن است که آنها باید از قبل به تمرین فراوان بپردازند و خود را آماده کنند و از آنجاکه تمرین سواری با اسب‌ها، آنها را چابک و ورزیده و در عین حال لاغر می‌کند، عرب از آن تعبیر به "مضمار" یعنی مکان یا زمان لاغر شدن می‌کند. بعد از آن، دوران مسابقه شروع می‌شود و در هر مسابقه‌ای جوایزی برای برندگان و خسارتی برای بازندگان خواهد بود. امام (ع) زندگی این جهان را دوران ورزیدگی و آمادگی و میدان آخرت را میدان مسابقه و جایزه برندگان را بهشت و خسارت بازندگان را آتش دوزخ می‌شمارد. بدیهی است که هیچ‌کس در میدان مسابقه نمی‌تواند مشغول تمرین و آمادگی و ورزیدگی شود. بلکه باید آنچه در این زمینه لازم است از قبل فراهم شده باشد. در میدان محشر نیز جایی برای تهیه حسنات و توبه از سیئات و تهذیب نفوس و تطهیر قلوب نیست. همه این‌ها باید در دنیا فراهم شده باشد. کسانی که این واقعیت را به فراموشی بسپارند و آمادگی لازم را از نظر روحانی و معنوی، در این دنیا فراهم نکنند، به یقین در مسابقه سرنوشت‌ساز آخرت، شکست می‌خورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۷۹/۲-۱۸۰).

در حقیقت در سه خطبه فوق، مسأله فنای دنیا در شرایطی مطرح می‌شود که سی روز روزه گرفتن و نیز انجام اعمال دهه اول ذی‌حجه، مخاطبان را از نظر معنوی رشد داده و وقت آن است که امام (ع) مقداری آنان را از دنیاگرایی و دنیازدگی نجات داده و بی‌اعتبار بودن و نابود شدن دنیا را در نظر ایشان تقویت نماید. با این هدف که نسبت به مسابقه آخرت غافل نمانند و از فرصت اندکی که در دنیا نصیب آنان شده، نهایت بهره‌برداری را نموده و خود را آماده سفر آخرت نمایند.

۵-۳-۲. پس از بیعت با حضرت (ع)

خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه پس از بیعت با حضرت در مدینه ایراد شده است. امام (ع) در این خطبه علاوه بر تعریف معنای حقیقی زهد، به نکوهش دنیاگرایی می‌پردازد. خطبه‌های ۱۵۴ در اولین جمعه پس از بیعت با امام (ع) و خطبه ۱۷۸ نیز در اولین روزهای خلافت ایشان ایراد شده است (موسوی، ۱۴۲۳: ق: ۲۷۸-۳۱۴) در این دو خطبه بخشی از صفات مذموم دنیا مطرح گردیده است.

امام (ع) در شرایطی خلافت مسلمین را پذیرفتند که خطر بزرگ دنیاگرایی و رسوخ تفکر سرمایه‌داری در جامعه خودنمایی می‌کرد. عده‌ای از نزدیکان خلفا به مال‌اندوزی‌های وسیعی پرداخته و سرمایه‌های عظیمی برای خود دست و پا کرده بودند. در این شرایط بود که امام علی (ع) در اولین موضع‌گیری‌های خود به عنوان خلیفه مسلمین، مخالفت جدی خود را با جریان فوق در قالب مذمت دنیا و نکوهش دنیاگرایان و غافلان از آخرت بیان داشتند. در حقیقت امام (ع) با اتخاذ این شیوه از سویی به دنبال آگاه‌سازی جامعه و ارائه پندهای اخلاقی به مردم بودند و از سوی دیگر مخالفت خود را نسبت به جریان سرمایه‌داری اعلام داشتند.

این اعلام موضع با در نظر گرفتن فضای صدور خطبه ۲۲۴ روشن تر می گردد. این خطبه هنگامی ایراد شد که برخی از خواص جامعه به بهانه حضور در جنگ ها و مجاهدت های فراوان در راه اسلام، از امام (ع) درخواست سهم بیشتری از بیت المال داشتند (موسوی، ۱۳۳۴: ۵۲۴) امام (ع) در پاسخ به درخواست آن ها این خطبه را بیان کرده و در آغاز آن فرمودند:

«وَ اللَّهُ لَأَنَّ أُبَيْتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجْرًا فِي الْأَغْلَالِ مُصَنَّدًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لِشَيْءٍ مِنَ الْأَطْطَامِ وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَيَّ الْبَلَى قَفُولَهَا وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولَهَا (رضی، بی تا: ۳۴۶): سوگند به خدا اگر شب را بر روی خارهای سعدان بیدار به سر برم و یا در غل ها و زنجیرها بسته و کشیده شوم، برایم محبوب تر است از این که خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال دنیا را غصب نموده باشم. چگونه به کسی ستم روا دارم، آن هم برای جسمی که تار و پودش به سرعت به سوی کهنگی پیش می رود (و از هم می پاشد) و مدت های طولانی در میان خاک ها می ماند.»

سپس ایشان در ادامه خطبه به بیان مذمت دنیا و نیز بی ارزش بودن دنیا در نظر خویش پرداخته و دنیا را از برگ جویده شده در دهان ملخ پست تر معرفی نمودند. امام (ع) با این شیوه به طور ضمنی پاسخ قاطعی به این گونه افراد دادند که در دستگاه حکومتی علوی (ع) امتیاز ویژه برای اشخاص و همچنین دنیاگرایی جایی ندارد.

۳-۳-۵. در راه جنگ

امیرالمؤمنین (ع) از هر فرصتی برای آگاه سازی و بصیرت افزایی مردم استفاده می نمودند. از جمله هنگام جمع آوری لشکر، در مسیر کارزار، قبل از شروع جنگ و دیگر اوقات برای سپاهیان خطبه می خواندند و مواعظ و اندرزهای لازم را بیان می نمودند. از جمله مواعظی که خطاب به سپاهیان ایراد می شد، مذمت دنیا و بیان فناپذیری آن و همچنین نکوهش غفلت زدگان است. از جمله خطبه ۱۳۲ که در مسیر جنگ جمل ایراد شده است و در آن به فناپذیری دنیا اشاره می شود (موسوی، ۱۳۳۴: ۲۲۱). همچنین خطبه ۱۹۱ که در هنگام آموزش نظامی به سپاهیان بیان شده و در آن تحذیر نسبت به دنیاگرایی و نکوهش غفلت زدگان دیده می شود (همان جا: ۳۱۹).

دنیاگرایی و غفلت از آخرت یکی از آفات خطرناک برای سپاهیان به شمار می رود؛ زیرا فرد دنیا دوست بدون شک از آسیب رسیدن به جان و مالش هراس دارد. اگر یک فرد نظامی در میدان جنگ خوف جان نماید، یا تسلیم خواهد شد و یا پا به فرار خواهد گذاشت که این مساوی است با شکست لشکر. امام (ع) برای پیشگیری از این وقایع به بیان چنین مضامینی اقدام می نمودند.

همچنین نمونه دیگر مطلبی است که سید رضی قبل از خطبه ۳۳ نقل می کند. این خطبه در ذی قار و پیش از جنگ جمل ایراد شده است. سید رضی بیان می کند که امیرالمؤمنین (ع) درحالی که مشغول وصله

نمودن کفش خویش بود، خطاب به ابن عباس دنیا و حکومت در آن را نزد خود، پست‌تر از آن کفش بی‌ارزش معرفی می‌نماید (رضی، بی‌تا: ۷۶).

چنانچه به اتفاقات آن برهه از تاریخ توجه نماییم، در می‌یابیم که امام (ع) این رویکرد را در شرایطی اتخاذ نموده‌اند که از سوی سردمداران قائله جمل به ریاست‌طلبی متهم شده و به عنوان قاتل خلیفه پیشین معرفی گردیده‌اند. آنان در سخنرانی‌ها و نامه‌های مختلف مردم را به بهانه خون‌خواهی عثمان و مبارزه با حب ریاست علی (ع) می‌شورانند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۰۵/۹-۱۱۵). امام (ع) با این‌گونه سخنان سعی در تثبیت یاران خویش در راه حق داشتند و درصدد بودند تا خواص حکومت خود را از گرفتار شدن در دام تبلیغات مسموم دشمنان بازدارند.

امام علی (ع) در چنین شرایطی علاوه بر مذمت دنیا، نسبت به وقوع مرگ نیز به‌وفور تذکر می‌دادند؛ زیرا به فرموده خود ایشان در خطبه ۸۴ نهج‌البلاغه یکی از فواید یاد نمودن مرگ، دوری از سرگرمی‌های بی‌بهره است (رضی، بی‌تا: ۱۱۵) پیش از جنگ و در حال عزیمت لشکر به سوی محل کارزار، خطبه‌هایی با موضوع مرگ ایراد شده که ضمن تذکر به وقوع قطعی آن، ویژگی‌های مرگ و نیز لزوم عبرت‌گیری از سرنوشت اقوام گذشته در آن بیان شده است. از جمله: خطبه‌های ۱۳۲ و ۱۶۸ که در مسیر جنگ جمل ایراد شده و همچنین خطبه ۱۴۷ که در هنگام توقف در ذی قار جهت پیوستن لشکر کوفیان برای شرکت در همان جنگ بیان شده است (موسوی، ۱۴۲۳ ق: ۳۰۲-۳۱۱).

۵-۳-۴. پس از پیروزی در جنگ

در شب سیزدهم رجب سال ۳۶ هجری امام (ع) پس از پیروزی در جنگ جمل وارد کوفه شدند. مردم و اشراف کوفه به استقبال ایشان آمده و پیروزی در جنگ را تبریک می‌گفتند. به امام (ع) عرض شد: ای امیر مؤمنان به کجا می‌روی؟ آیا وارد قصر می‌شوی؟ امام (ع) به مسجد رفته و دو رکعت نماز به جا آوردند و خطاب به اهل کوفه خطبه ۴۲ را ایراد فرمودند (منقری، ۱۴۰۴ ق: ۳) سید رضی نقل این خطبه را از اواسط آن آغاز نموده که امام می‌فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ (رضی، بی‌تا: ۸۳): ای مردم

ترسناک‌ترین چیزی که از آن بر شما خائفم دو چیز است؛ پیروی از هوا و هوس و آرزوهای طولانی». امام علی (ع) در این خطبه در شرایطی به فناء و نابودی دنیا اشاره نمودند که سپاهیان و مردم کوفه سرمست و شادمان از پیروزی هستند و امام (ع) برای شکستن غرور ایجاد شده عدم بقای دنیا و موفقیت‌های آن را تذکر می‌دهند. غفلت و مشغول شدن سپاهیان امام (ع) را به جمع‌آوری غنیمت، می‌توان در این مشاهده نمود که بر اساس نقل تاریخ امام (ع) برای تصاحب غنیمت‌های جنگ، محدودیت‌هایی را اعمال نمود؛ اما سپاهیان ایشان بر کسب غنائم بیشتر اصرار ورزیدند. امام (ع) نیز به‌شدت با آنان به مخالفت پرداخت (دینوری، ۱۴۱۸: ۹۷/۱).

همچنین در زمینه یاد مرگ، باید به خطبه ۱۸۷ اشاره نمود که امام علی (ع) آن را پس از پیروزی در مقابل خوارج در جنگ نهروان بیان فرموده و مخاطبان را نسبت به مسأله مرگ هوشیار ساختند (موسوی،

۱۴۲۳ ق، ۳۱۷). امیرالمؤمنین (ع) در این خطبه بیان می‌نماید که شما که اموات خود را به گورستان می‌برید و در خاک جا می‌دهید چطور است که در فکر مردن خود نیستید و نمی‌خواهید بفهمید که زندگی شما در این جهان موقتی است و شما هم مثل آن‌ها که در قبر جا گرفتند وقتی از این دنیا رفتید، گویی که هرگز نبوده‌اید.

۵-۳-۵. در تشییع جنازه

امام (ع) برخی خطبه‌ها را در تشییع جنازه اموات ایراد فرمودند؛ مانند خطبه‌های ۶۴ و ۸۶ که خانواده میت بسیار بی‌تابی نموده و آه و ناله فراوان سر می‌دادند (موسوی، ۱۳۳۴: ۳۸۹). امیر مؤمنان (ع) در چنین شرایطی با دو هدف به فناپذیری دنیا اشاره فرمودند: هدف اول تسکین مصیبت دیدگان به خاطر غم فقدان میت و هدف دوم تذکر به همه مردم در این رابطه که همگی به این وضعیت (مرگ) دچار خواهید شد.

خطبه ۸۳ نهج‌البلاغه که به خطبه غراء معروف است، شامل بیشترین مطالب درباره مرگ است. در این خطبه طولانی علاوه بر مذمت دنیا و تذکر وقوع مرگ، درباره مسائل دیگری از جمله: عدم توانایی دفع مرگ، سكرات موت، عدم پذیرش توبه در هنگام احتضار، مسائل و اتفاقات داخل قبر، گرو بودن ارواح در قبال اعمال و غیره به تفصیل سخن گفته شده است.

در شأن ایراد این خطبه گفته شده که امام (ع) این خطبه را در تشییع جنازه فردی بیان فرمودند. هنگامی که خانواده میت بسیار می‌گریستند و آه و فغان فراوان می‌نمودند، امام (ع) فرمودند: «برای چه می‌گریید؟ به خدا سوگند اگر اینان متوجه بودند که میت آن‌ها را نمی‌بیند، این امر آن‌ها را از گریه و بی‌تابی بازمی‌داشت. به خدا سوگند این مرگ بازمی‌گردد و بازمی‌گردد تا جایی که هیچ‌یک از آن‌ها را باقی نگذارد». سپس امام (ع) به قرائت خطبه پرداختند (اصفهانی، ۱۴۰۹ ق: ۷۸/۱).

۵-۳-۶. قبل از شهادت

امام علی (ع) در خطبه‌هایی که در ایام پیش از شهادتشان ایراد فرمودند، بسیار به مسأله مرگ و بیان ویژگی‌های آن اهتمام داشتند. برای این امر دو دلیل وجود دارد. دلیل اول تسلای خاطر خانواده و شیعیان است که به حتمی بودن مرگ توجه نموده و مقداری از غم فقدان وجود مبارک امام (ع) کاسته شود. دلیل دوم نیز همان آگاه‌سازی غافلان است که مرگ را فراموش نموده و سرگرم زندگی دنیایی شده‌اند.

به‌عنوان نمونه سخن امام علی (ع) در خطبه ۱۴۹ پس از ضربت خوردن توسط ابن ملجم بیان شده که در آن امام (ع) مطالبی را پیرامون ملاقات مرگ و عدم توانایی فرار از آن بیان می‌کنند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۱۱۷/۹). امیرالمؤمنین (ع) در این خطبه از راز مرگ صحبت می‌کند و می‌گوید که کوشیدم که آن راز را کشف کنم اما فهمیدم که راز مرگ مکشوف شدنی نیست. برای این که خداوند نمی‌خواهد که این راز بر آدمیان مکشوف گردد و واضح است که وقتی یک مرد خداپرست و دانشمند و با تقوی چون امیرالمؤمنین (ع) نتواند به راز مرگ پی ببرد هیچ‌کس قادر به گشودن این راز نخواهد شد.

همچنین ایشان خطبه ۲۳۰ را در توییح مردم کوفه در روزهای قبل از شهادت بیان فرمودند و در آن به نزدیکی سكرات موت و اینکه مرگ نابودگر لذتهاست، اشاره نمودند (موسوی، ۱۴۲۳ ق: ۳۲۹).

۵-۳-۷. پاسخ به ادعای دیگران

امام علی (ع) خطبه ۸۴ را در پاسخ به عمروعاص بیان فرمودند. عمروعاص پس از جنگ صفین درباره امام (ع) گفته بود که علی (ع) شوخ طبع است و این شوخ طبعی در وی حدی ندارد (موسوی، ۱۴۳۳ ق: ۲۹۱). امام (ع) در پاسخ به این گزاره گویی وی خطبه‌ای ایراد فرمودند. همچنین ایشان در این خطبه به برشمردن صفات مذموم عمرو پرداخته و از روش جنگی عمروعاص صحبت می‌کند و به این موضوع اشاره می‌کند که در جنگ صفین وقتی عمروعاص خود را در معرض شمشیر امیرالمؤمنین (ع) دید و دانست که کشته خواهد شد، خود را عریان کرد و امیرالمؤمنین (ع) رو برگردانید و عمروعاص با این خدعه گریخت. همچنین امام (ع) در پاسخ به سخنان گزاره عمرو، یکی از فواید تذکر مرگ را بیان نمودند. ایشان می‌فرمایند:

«أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَيَمْنَعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ؛ (رضی، بی تا: ۱۱۵) آگاه باشید به خدا سوگند، یاد مرگ

مرا از شوخی و سرگرمی باز می‌دارد».

۵-۳-۸. نامه‌های حکومتی

علاوه بر خطبه‌ها، در نامه‌های نهج البلاغه نیز چنین موضعی مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه و بر اساس گزارش سیدرضی در ابتدای نامه‌ها، یکی از مواقعی که امام (ع) در نامه‌ها به مسأله زهد و دنیاگریزی می‌پرداختند، در هنگام نگارش نامه خطاب به کارگزاران حکومتشان است. نامه ۲۲ خطاب به ابن عباس که یکی از فرماندهان لشکر امام (ع) بوده نوشته شده است. دلیل اینکه امام (ع) در این گونه نامه‌ها به مسأله زهد بسیار تأکید داشتند این بوده که والیان حکومت و فرماندهان نظامی بدون شک دسترسی زیادی به اموال بیت‌المال دارند و اختیاراتی را نیز در این حوزه دارا هستند. همین امر زمینه دنیاگرایی و خیانت آن‌ها به بیت‌المال مسلمین را فراهم می‌آورد. لذا امام (ع) با هدف پیشگیری از این موارد بر روی مسأله زهد و دنیاگریزی تأکید داشتند.

همچنین نامه ۴۵ که در آن زهد امام (ع) به تفصیل بیان شده، خطاب به عثمان بن حنیف است. این نامه پس از آن نگارش یافته که به حضرت گزارش داده شد که یکی از ثروتمندان بصره عثمان را به میهمانی دعوت کرده و او پذیرفته است. در حقیقت امام (ع) با نگارش این نامه به والیان خود تذکر دادند که نشست و برخاست با اصحاب زر و تزویر علاوه بر بی‌اعتمادی مردم، عواقب فراوان دیگری از جمله فراموش نمودن مشکلات جامعه، سستی در اجرای حق و غیره را در پی دارد.

در میان نامه‌های نهج البلاغه، در دو نامه ۲۷ و ۳۱ مطالب به نسبت زیادی در رابطه با یاد مرگ دیده می‌شود. بر اساس گزارش سید رضی در ابتدای نامه‌ها، نامه ۲۷ خطاب به محمد بن ابی بکر، هنگامی که امام (ع) وی را به ولایت مصر منصوب نمودند، نگارش یافته است. امام (ع) در این نامه به طور مفصل مردم را نسبت به مرگ و جهان آخرت تذکر می‌دهد. امام (ع) می‌نویسد:

«ای بندگان خدا از مرگ و نزدیک بودنش بترسید. آمادگی‌های لازم را برای آن فراهم سازید که امری عظیم و جریانی پراهمیت به همراه می‌آورد. یا خیری به همراه دارد که هرگز آلوده به شر نیست و یا شری که هیچ‌گاه نیکی با آن نخواهد بود. پس چه کسی از عمل‌کننده برای بهشت به بهشت نزدیک‌تر است و

کدام کس از عمل کننده برای آتش به آتش و عذاب. شما تبعیدشدگان مرگ هستید اگر بایستید دستگیرتان خواهد کرد و اگر از آن فرار کنید بشما خواهد رسید، مرگ از سایه شما با شما همراهتر است و در پیشانی شما مهر مرگ زده شده. دنیا پشت سر شما درهم می‌پیچد» (رضی، بی تا: ۳۸۴).

این نامه در شرایطی نوشته می‌شود که مخاطب آن به ولایت یکی از مهم‌ترین سرزمین‌های اسلامی انتخاب شده و میزان فراوانی از بیت‌المال زیر دست وی قرار می‌گیرد. هر انسانی که به مکارم اخلاق مهذب نباشد، اگر در چنین شرایطی قرار گیرد، احتمال تزلزل و لغزیدن پای وی بسیار بالاست. امام (ع) در چنین شرایطی به تذکر مرگ اقدام نمودند تا مخاطبان از غفلت نسبت به آخرت مصون باشند.

همچنین نامه ۳۱ خطاب به امام مجتبی (ع) و پس از بازگشت از صفین نوشته شده است. با در نظر گرفتن شرایط به وجود آمده در صفین و ناگواری‌های پس از آن، امام (ع) برای تسلی خاطر مخاطبان - همه مردم - به تذکر مرگ اقدام نموده تا سبب تجدید روحیه آنان باشد.

نتیجه‌گیری

با مشاهده این شواهد تاریخی از سویی مشخص می‌شود که قائلان به شبهه مورد بحث، به‌صورتی یک‌جانبه به مطالب نگاه کرده و جنبه‌های مختلف بحث را مدنظر قرار نداده‌اند. لذا سخنانشان سست و کم‌مایه است. زهد و دنیاگریزی و نیز یاد مرگ در نهج‌البلاغه نه تنها با روح اسلام ناسازگار نیست، بلکه آیات و روایات متعددی بر این موضوعات تأکید دارند. از سوی دیگر این مطلب روشن می‌شود که طرح مسائل مرتبط با حوزه زهد و دنیاگریزی به وسیله امیرالمؤمنین (ع) امری بسیار لازم و ضروری بوده است تا جامعه را از خطرات و انحرافات پیش رو نجات دهد. همچنین توجه به جغرافیای کلام سبب دفع توهم افراط در دنیاگریزی و یاد مرگ و نیز موجب فهم صحیح‌تر مقصود امام (ع) از این همه تأکید بر این موضوعات می‌گردد. توجه به جغرافیای کلام مشخص می‌سازد که خطبه‌ها و نامه‌هایی که در حوزه زهد و دنیاگریزی و همچنین یاد مرگ قرار می‌گیرند، هر کدام در شرایط و فضای خاص و ویژه‌ای از جمله: اعیاد مذهبی، پس از بیعت با حضرت، در راه جنگ، پس از پیروزی در جنگ، هنگام تشییع جنازه، قبل از شهادت، در پاسخ به ادعاهای دیگران و همچنین در نامه‌های حکومتی ایراد شده و مقتضیات، لزوم بیان چنین سخنانی را ایجاب می‌نمود. در نتیجه اتهام افراط‌گرایی به چنین دیدگاهی در نهج‌البلاغه نادرست است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۳۳۷)، شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- اسدی، عادل حسن (۱۴۲۸)، مع المشککین فی نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مکتبه العزیزی.
- اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۹)، حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حاجی خانی، علی (۱۳۹۱)، أصالة نهج البلاغه من منظور الدراسة الموضوعیه الاسلامیة، چاپ اول. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، چاپ اول. قم: موسسه آل البیت (ع).
- حسینی خطیب، سید عبدالزهراء (۱۳۹۵)، مصادر نهج البلاغه و آسانیده، چاپ دوم. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- دینوری، عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۱۴۱۸)، الامامه و السیاسه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رضی، محمد بن حسین (بی تا)، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، چاپ اول، قم: دارالهجره.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف: مطبعه الحیدریه.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵)، المعجم الکبیر، محقق: حمدی بن عبدالمجید، چاپ دوم. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- طماوی، احمد حسین (مارس ۱۹۹۹)، رحیل سید کیلانی صاحب ربوع الإسکندریه، مجله الهلال.
- عبده، محمد (بی تا)، شرح نهج البلاغه. تصحیح محمد محی الدین عبدالحمید. قاهره: مطبعه الاستقامه.
- غروی نائینی، نهله (۱۳۷۹)، فقه الحدیث و روش های نقد متن، چاپ اول. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- غفاری، علی اکبر و صانعی پور، محمد حسن (۱۳۸۸)، دراسات فی علم الدراییه، مترجم: ولی الله حسومی، چاپ اول. قم: دانشکده اصول الدین.
- کیلانی، محمد سید (۱۴۱۶)، أثر التشیع فی الأدب العربی، چاپ دوم. قاهره: دارالعربی.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۱)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، محقق: بکری حیانی، چاپ پنجم. غزه: مؤسسه الرساله.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع)، مترجم: مهدی مهریزی، چاپ سوم. قم: دارالحدیث.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۹۰)، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ دوم. بیروت: دارالعلمی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، سیری در نهج البلاغه، چاپ چهل و ششم. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، پیام امام، چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴)، وقعه صفین، محقق: عبدالسلام محمدهارون، چاپ دوم. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- موسوی، صادق (۱۳۳۴)، تمام نهج البلاغه، چاپ اول، بیروت: موسسه الاعلمی.
- موسوی، محسن باقر (۱۴۲۳)، المدخل الی علوم نهج البلاغه، چاپ اول. دمشق: دارالعلوم.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۳۸۸)، اسباب النزول، چاپ اول، قاهره: موسسه الحلبی.
- هروی، علی بن محمد (بی تا)، شرح نخبه الفکر فی مصطلحات أهل الأثر، لبنان: دارالارقم.

Doubt about Nahj-al-balagha: Life-aversion and Death-reminding, and criticism about that, with emphasize on issuing

Ali Hajikhani (the professor of Quran and Hadith Tarbiat modares university)

Kavoos Roohi Barandagh (the professor of Quran and Hadith Tarbiat modares university)

Alireza Saffarian Hamedani (Phd candidate of Qum university)

Abstract

One of the doubts about content of the honorable book Nahj al-Balaghah is Death- reminding and Life-aversion in an excessive mode. According some scientists some contents of Nahj al-Balagha about living ascetic life style, leaving belonging to life and also some content about Death-reminding as a gateway to the other world are formed under influence of Christian monasticism or Sofia orientation and have no precedent to beginning of Islam. This article figures on utilizing Analytical descriptive method and with analyzing the social conditions and requirements for the time of issuing sermons and suspected letters, while proving the unfounded suspicion, this fact makes clear that not only this is not extremist but also its induction by Imam Muslims community is considered necessary and appropriate. Because trends to worldliness and materialism, among the properties and laity of that time is see.

key words: Imam Ali, Nahj-al-balagha, Doubt, Life-aversion, Death, of issuing